

امتحانات متمرکز تکمیلی (سطح ۳)

نیم سال اول ۹۵-۹۶
رشته فقه و رویه مهر ۹۴

مهر مدرسه

نمره صبح ۱۰ صبح ۱۴	نمره عصر ۷۰ دقیقه
نمره صبح ۱۰ صبح ۱۶	نمره عصر ۸۰ دقیقه

نمره صبح ۱۰ صبح ۱۴	نمره عصر ۷۰ دقیقه
نمره صبح ۱۰ صبح ۱۶	نمره عصر ۸۰ دقیقه

۳۹۵۱/۰۹	کتاب
۱۳۹۵/۱۰/۲۳	درس اول: از ابتدای درس ۶۸ تا پایان کتاب (ص ۴۱۷-۳۴۰) و
اصول فقه ۳	درس دوم: از ابتدای کتاب تا پایان درس ۱۴ (ص ۸۰-۱۵)
دروس فی علم الاصول «الحلقة الثالثة»	

نام خانوادگی: نام پدر: کد ملی: مدرسه: استان:

۱- چرا شهید صدر (ره) در صورتی که قدرت از قیود عقلی و جوب باشد، مکلف را مسئول اتیان مقدمات مفوتة می داند؟ جزء اول ص ۲۴۲

- الف. لانها من القيود الاختيارية فهي قيد الواجب
- ب. لانه لا يجوز التعجيز في التكليف عقلاً
- ج. لانه لا يجوز التعجيز في الملاك عقلاً
- د. لانها حينئذ دخيلة في ثبوت الحكم

۰/۱۵

۲- چرا مخالفت و جوب غيري، به طور مستقل موجب استحقاق عقاب نمی شود؟ جزء اول ص ۳۶۳

- الف. لأنه ليس له المبادئ المستقلة
- ب. لأنه ليس بواجب شرعي حقيقة
- ج. لأن المولى رخص في المخالفة
- د. لأنه واجب تضمنياً لا تبعياً

۰/۱۵

۳- نظر کسانی که «اختلاف امر و نهی در زمان فعلیت» را رافع «تنافی اجتماع امر و نهی» می دانند، مبتنی بر کدام قاعده اصولی است؟

- الف. الاضطرار بسوء الاختيار ينافي الاختيار خطاباً
- ب. الاضطرار بسوء الاختيار ينافي الاختيار عقاباً
- ج. الاطلاق ترخيص في التطبيق او يستلزمه
- د. الاحكام تتعلق بالغاوين و الصور الذهنية

۰/۱۵

۴- با توجه به اینکه آیت الله خوئی (ره) مجعول در استصحاب را «علم به لحاظ کاشفیت» می داند، تفاوت آن با اماره چیست؟ جزء دوم ص ۲۳

- الف. ملحوظ اماره قوه احتمال است.
- ب. اماره شک سابق دارد.
- ج. اماره طریق است.
- د. تفاوتی ندارد.

۰/۱۵

۵- ادله احتیاط در صورت تمامیت چه مواردی را شامل می شود که آیه کریمه «لا یكلف الله نفساً إلا ما آتاها» (طلاق: ۷) شامل نمی شود؟ جزء دوم ص ۶۶

- الف. شبهات موضوعیه
- ب. موارد قبل از فحص
- ج. موارد شبهه بدویه
- د. شبهات حکمیة

۰/۱۵

۶- نظر نهایی شهید صدر (ره) درباره معیار جریان برائت هنگام شک در موضوع خارجی کدام است؟ جزء دوم ص ۷۳

- الف. آن یکون الشک فی قیود غیر اختیاری
- ب. آن یکون الشک فی قیود التكليف
- ج. آن یکون اطلاق التكليف شمولياً
- د. آن یکون اطلاق التكليف بديلاً

۰/۱۵

۷- عبارت «ان الاحكام انما تتعلق بالغاوين لا بالوجود الخارجي فتعدد العنوان يكفي في دفع التنافي. فان قيل: ان الغاوين في الذهن انما يعرض لها الامر بما هي مرآة للخارج، و هذا يعني استقرار الحكم في النهاية على الوجود الخارجي بتوسط العنوان كان الجواب...» را در بحث «اجتماع امر و نهی» تبیین کرده، اشکال مطرح را پاسخ دهید. جزء اول ص ۳۸۷-۲ نمره

جواب: برخی در بحث اجتماع امر و نهی قائل به عدم استحاله هستند به این شکل که تعدد عنوان برای دفع تنافی کفایت می کند زیرا احکام به وجود خارجی تعلق نگرفته بلکه به صورت ذهنی و عنوان تعلق گرفته و چون عناوین متعدد هستند، تنافی نیست (۰/۵ نمره) بر این استدلال اشکال کرده اند که: امر و نهی اگر چه به عناوین تعلق می گیرند اما عناوین بما هو حاکی از خارج متعلق حکم هستند، و این در حقیقت یعنی حکم حقیقه به وجود خارجی سرایت می کند در نتیجه تنافی باقی است. (۰/۵ نمره) شهید صدر (ره) پاسخ می دهد به این نحو که تعلق امر و نهی به عناوین به ما هو حاکی از خارج، به این معنا نیست که حکم حقیقه به وجود خارجی سرایت می کند بلکه فقط به این معنا است که عنوان بما هو غصب و صلاة لحاظ شده نه بما هو صورت ذهنی. (۱ نمره)

۲



مرکز آزمون های غیر حضوری
جوده های علمی خوارزمی

امتحانات موقه غیر حضوری (مطح ۳)

نیمسال دوم تحصیلی ۹۴-۹۳
تراشی فقه و اصول

مستغرقین: ۸۰ دقیقه	نمبر: ۱۶	مستغرقین: ۱۰
مستغرقین: ۸۰ دقیقه	نمبر: ۱۶	مستغرقین: ۱۰
مستغرقین: ۸۰ دقیقه	نمبر: ۱۶	مستغرقین: ۱۰
مستغرقین: ۸۰ دقیقه	نمبر: ۱۶	مستغرقین: ۱۰

کد پرسشنامه	۷۹۳۲/۱۰
تاریخ	۱۳۹۴/۰۳/۱۷
اصول	۳

نام و نام خانوادگی: که ملکی: حوزه امتحان: استان: استان:

توجه: پاسخگویی به یکی از سوالات ۱ نفره است. اختیاری است.

۰/۵

۱- کدام گزینه بیانگر ویژگی «اصول عملیه شرعیة» می باشد؟

- الف. آنها ترجیح الی الاصلین الاشتغال و البرائة
- ب. لا بد ان يوجد الاصل الشرعی فی کل واقعة
- ج. یعقل التفاضل بین الاصول العملیه الشرعیة اثباتاً
- د. لیست هذه الاصول من الاحکام الظاهرية الطریقیة

۰/۵

۲- حدیث «کل شیء مطلق حتی یرد فیه نهی» در چه صورت بر برائت شرعی دلالت می کند؟

- الف. اذا كان الورد بمعنى الوصول
- ب. اذا كان الورد بمعنى الصدور
- ج. اذا كان الورد بمعنى الوجود
- د. سواء كان الورد بمعنى الوصول أو الصدور

۰/۵

۳- در کدام مورد، «اخذ قطع به حکم در موضوع حکم» ممکن است؟

- الف. در موضوع حکم متضاد
- ب. در موضوع همان حکم
- ج. در موضوع حکم منلش
- د. در موضوع حکم مخالف

۰/۵

۴- نظر شهید صدر (ره) در مورد ملازمه شرعی بین «ذی المقدمه» و «مقدمه» چیست؟

- الف. عدم وجود ملازمه مطلقاً
- ب. وجود ملازمه در مرحله جعل
- ج. وجود ملازمه در مرحله اراده
- د. وجود ملازمه در مرحله ایجاب

۵- اصطلاحات «اصل بحت و خالص» و «اصل محرز» را بنابر مسلک شهید صدر (ره) و محقق نایینی (ره) در تفسیر حکم ظاهری تعریف نمایید.

۲

.....
.....
.....

۶- با توجه به عبارت «إن البراءة التي تستفاد من قوله تعالى: «لا يكلف الله نفساً الا ما آتاها» إن كانت بمعنى نفى الكلفة بسبب التكليف غير المأتى فلا ينافي ثبوت الكلفة بأدلة وجوب الاحتياط و إن كانت بمعنى نفى الكلفة في مورد التكليف غير المأتى فهي تنفي وجوب الاحتياط» وجه عدم منافات در فرض اول و منافات در فرض دوم را بیان کنید.

۲

.....
.....
.....



امتحانات متمرکز تکمیلی (سطح ۳)

شماره: ۱۰ صبح ۱۴ تاریخ: ۶۰ دقیقه

نام و نام خانوادگی	شماره	کلاس
نام و نام خانوادگی	شماره	کلاس

نیمه سال اول ۹۷-۹۶
رشته فقه و اصول ورودی مهر ۹۵

مهر مدرسه

کلاس	۳۹۶/۱۱
شماره	۱۳۹۶/۱۰/۲۰
ماده	اصول فقه ۳
کتاب	حلقه ناله
توضیحات	از ابتدای درس ۶۸ (المستولیت عن المقدمات قبل الوقت) تا پایان جلد اول و از اول جلد دوم تا پایان درس ۱۴ (استحباب الاحتیاط)

نام و نام خانوادگی: نام پدر: کد ملی: شهرت: استان:

۰/۵

۱- قدرت به چه نحوی در وجوب اخذ شود تا ترک مقدمه مغوته عقلاً اشکالی نداشته باشد؟ ص ۳۴۲

الف) شرعی

ب) عقلی

ج) عرفی

د) مطلقاً بی اشکال است.

۰/۵

۲- کدام گزینه از خصائص وجوب غیرنیست؟ ص ۳۶۲ و ۳۶۳

الف) ان الواجب الغیری، واجب توصلی

ب) لیس صالحاً للتحرک المولوی مستقلاً

ج) ان مخالفة الواجب الغیری، توجب العقاب مستقلاً

د) ان امتثال الواجب الغیری لا یستتبع ثواباً مستقلاً

۰/۵

۳- اقتضای حرمت برای بطلان عبادت، بر اساس کدام ملاک، واجبات توصییه را هم شامل است؟ ص ۴۰۴

الف) ممانعة الحرمة عن اطلاق الأمر خطاباً و دلیلاً لمتعلقها

ب) استیجاب الحرمة لحکم العقل بقبح الإتیان بمتعلقها

ج) کاشفیه تعلق الحرمة عن کون العبادة مبنوذة للمولی

د) کاشفیه الحرمة عن مبعدیة متعلقها عن المولی

۰/۵

۴- کدامیک از گزینه‌های زیر از ویژگی‌های اصول عملیه شرعیه به‌شمار می‌رود؟ جزء دوم ص ۱۹

الف) لا یعقل التعارض بینها اثباتاً

ب) لها حصر شرعی فی البرائة و الاشتغال و الاستصحاب

ج) مردّها الی احکام شرعیة نشأت من ملاحظة حق الطاعة

د) مردّها الی احکام شرعیة نشأت من ملاحظة اهمیة المحتمل

۲

۵- با توجه به عبارت «ان قصد امتثال الأمر متأخر رتبة عن الأمر، لتفرعه علیه، فلو أخذ قیداً أو جزء في متعلق الأمر و الوجوب، لکان داخل في معرض الأمر ضمناً، و متقدماً علی الأمر تقدم المعروض علی عارضه، فیلزم کون الشیء الواحد متقدماً و متأخراً» برهان استحاله اخذ قصد امتثال امر در متعلق امر را تبیین نموده و جواب شهید (ره) از آن را بنویسید. ص ۳۵۱

جواب: قصد امتثال امر رتبه از خود امر متأخر است چون اول باید امری باشد تا قصد امتثال آن معنا داشته باشد و اگر بخواهد قصد امتثال امر بعنوان شرط یا جزء در متعلق وجوب اخذ شود لازم است این امر است که قصد امتثال امر داخل در معروض امر باشد، و معنای این حرف تقدم قصد امتثال امر بر خود امر است چون معروض باید قبل از عارض موجود باشد تا عارض بر روی آن برود. در نتیجه قصد امتثال امر هم باید متأخر باشد و هم متقدم. جواب شهید: وقتی می‌گوییم امری باید باشد تا مکلف آن را قصد کند منظورمان در عالم خارج است. و وقتی می‌گوییم قصد امتثال امر چون معروض امر است باید متقدم باشد، مرادمان در عالم جعل و تشریح است که شارع موضوعش را تصور می‌کند و امر را روی آن می‌رود لذا قصد امتثال امر در اینجا یک تصور و مفهوم ذهنی است بخلاف آنجا که یک واقعیت خارجی بود، لذا تقدم و تأخر یک شیء واحد نشد.

۲

۶- با توجه به عبارت «ان الصلاة من جلوس التي وقعت منه في أول الوقت كانت مصداقاً للواجب بالأمر الاضطراري. و ان وجوبها تخيري، فهذا يعني وجود عدلين يختبر المكلف بينهما. فان كان هذان العدلان هما الصلاة الاضطرارية و الاختيارية، فقد ثبت المطلوب و ان كانا مجموع الصلاتين من ناحية، و الاختيارية من ناحية اخرى فهذا تخيير بين الاقل و الاكثر، و هو مستحيل» دلیل اجزاء اوامر اضطراری در اضطرار اول وقت را در ضمن مثال تبیین نماید. ص ۳۷۶

جواب: شخص مریض می‌تواند نماز را به نحو نشسته بخواند، حال این مریض می‌داند تا قبل از پایان وقت بهبود یافته و می‌تواند نماز را ایستاده به جا آورد اگر قائل به اجزاء شویم نماز مریض بعد از بهبودی اگر چه همچنان وقت باقی است اعاده ندارد. دلیل: نماز اول وقت مصداق امر اضطراری بوده است حال آیا این وجوب تخیری بوده است یا تعینی، مطمئناً تخیری بوده است، حال اگر این تخیر بین نماز اضطراری و نماز اختیاری بوده باشد مطلوب ثابت است زیرا معنای وجوب تخیری وجوب جامع است که حاصل شده و در نتیجه اعاده نمی‌خواهد و اگر تخیر بین نماز اختیاری و مجموع نماز اختیاری و اضطراری باشد این تخیر بین اقل و اکثر است و محال.

۷- با توجه به عبارت «ان هذا التحريم مساوق الحجر على المالك و سلب سلطنته على نقل المال فيصبح حاله حال الصغير و مع الحجر»

لا تصح المعاملة»، دلیل مرحوم نائینی (ره) بر بطلان معامله‌ای که نهی به مسبب تعلق گرفته است را تبیین نمایید. ص ۴۰۵-۴۰۶

جواب:

تحریم مسبب، مساوی حجر مالک از انتقال اموالش است پس معاملاتش صحیح نیست. مثل صغیر که چون محجور است هر گونه معامله وی بر اموالش باطل است.

۸- با توجه به عبارت «ان الاختلاف بين القسمين اذا كان مردّه الى عالم الحكم، فبالإمكان عند الشك في كون الواجب تعبديا أو توصليا، التمسك باطلاق دليل الواجب... فثبتت التوصلية. و أما إذا كان مردّه إلى عالم الملاك بسبب استحالة أخذ القصد المذكور في متعلق الأمر، فلا يمكن التمسك بالاطلاق المذكور لاثبات التوصلية» ثمره دو تحلیلی که در اختلاف واجب تعبدی و توصلی بیان شده است را

بنویسید. ص ۳۵۴

جواب: اگر اختلاف بین دو قسم به عالم حکم مربوط باشد، در فرض شک در تعبدی یا توصلی بودن یک واجب می‌توان به اطلاق خطاب تمسک کرد و توصلی بودن را ثابت کرد؛ اما اگر اختلاف بین دو قسم به عالم ملاک مربوط باشد، به اطلاق خطاب نمی‌توان توصلی بودن را در فرض شک ثابت کرد.

۹- با توجه به عبارت «أنه لا مقتضى للتحرك مع عدم وصول التكليف، فالعقاب حينئذ عقاب على ترك ما لا مقتضى لاجزاده و هو قبيح»،

استدلال میرزای نائینی (ره) بر «برائت عقليه» را تبیین نمایید و نقد شهید از آن را بنویسید. جزء دوم ص ۳۶ - ۲ نمره

جواب: تکالیف وقتی محرکیت دارند که واصل شده باشند و الا وجود واقعی آن‌ها محرکیتی ندارد، به عبارت مختصر، وصول مهم است نه صدور. لذا در مقام ما، اگر شارع بخواهد بر ترک تحرک عقاب کند قبیح است چون بر چیزی عقاب کرده که هیچ مقتضی‌ای برای آن نبوده است.

نقد: این دلیل مصادره به مطلوب است چه این که میرزا فرض کرده هیچ مقتضی‌ای برای تحرک نیست لذا عقاب بر آن قبیح است در حالی که وجود و عدم مقتضی فرع سعه و ضیق دایره حق الطاعه می‌باشد، بله اگر دایره حق الطاعه ضیق باشد و تکالیف مشکوکه را شامل نشود مقتضی نیست و عقاب قبیح است و اگر دایره آن وسیع باشد و شامل موارد شک در تکلیف بشود، مقتضی برای اطاعت مولی و تحرک موجود است.

۱۰- با توجه به عبارت «إن الرفع اذا كان واقعيا فهذا يعني أخذ العلم بالتكليف فيه، فان كان بمعنى أخذ العلم بالتكليف المجعول قيدا فيه فهو مستحيل ثبوتاً و إن كان بمعنى أخذ العلم بالجعل قيدا في المجعول فهو ممكن ثبوتاً، و لكنه خلاف ظاهر الدليل»، چرا اراده واقعی بودن رفع در حدیث رفع منجر به محال یا خلاف ظاهر می‌شود؟ ص ۵۸

جواب: رفع واقعی یعنی حکم مجهول از جاهلان واقعاً برداشته شود و فقط عالمان حکم داشته باشند؛ لذا اگر رفع، واقعی باشد مستلزم اخذ علم به حکم در موضوع حکم می‌شود که اگر به معنای اخذ علم به حکم مجهول در موضوع حکم مجهول باشد محال است؛ زیرا مستلزم تقدم شیء بر خودش است. و اگر مراد، اخذ علم به جعل در موضوع حکم مجهول باشد، خلاف ظاهر روایت است؛ زیرا ظاهر روایت، اتحاد «ما لا يعلمون» با مرفوع است و طبق معنای دوم، مرفوع با مجهول یکی نیست.



امتحانات متمرکز تکمیلی

شهریور ۹۸-۱۳۹۷
رشته فقه مهر ۹۶

مهر حوزه آزمون

ساعت برگزاری: ۹ صبح
نمره: ۱۴
زبان پاسخگویی: عربی

نمره بد	نمره بد	نمره بد
نمره بد	نمره بد	نمره بد

کد امتحان:	۳۹۷۳/۱۱
تاریخ آزمون:	۱۳۹۸/۰۶/۰۹
عنوان:	اصول فقه ۳
کتاب:	حلقه تالته
محدوده:	جزء اول: از ابتدای درس ۶۸ تا پایان جلد اول (۳۱۷-۳۲۰) جزء دوم: از ابتدای کتاب تا پایان درس ۱۴ (۸۰-۱۵)
حذفیات:	ندارد

نام و نام خانوادگی: نام پدر: کد ملی: استان: شهرستان: مدرسه علمیه:

۰/۵

۱- خلاصه دلیل قائلین به استحاله اخذ علم به حکم در موضوع خود آن حکم، چیست؟ جزء ۱ ص ۳۴۴

- الف. لآنه غیر عقلانی
- ب. لآنه غیر شرعی
- ج. لآنه دور
- د. لآنه لغو

۰/۵

۲- اتصاف کدام مقدمه به «وجوب گیری» اختلافی است؟ جزء ۱ ص ۳۶۸

- الف. مقدمه شرعیه
- ب. مقدمه عقلیه
- ج. مقدمه علمیه
- د. مقدمه وجوب

۰/۵

۳- چرا برخی از علماء قائل به «استحاله حکم شارع» در موارد حکم عقل عملی هستند؟ جزء ۱ ص ۴۱۱

- الف. للتضاد مع حکم العقل فهو نقض الغرض
- ب. لآنه يستلزم تفويت المصلحة و الملاك
- ج. لكفاية حکم العقل للمحرکة فهو لغو
- د. لاستلزامه اجتماع الضدين او المثلين

۰/۵

۴- در صورتی که «رفع» در حدیث رفع، واقعی باشد چه اشکالی مطرح است؟ جزء ۲ ص ۵۶

- الف. تخصیص الحدیث
- ب. تقدّم ادلة الاحتیاط
- ج. عدم اثبات البرائة
- د. اجمال الحدیث

۲

۵- چهار ویژگی واجب گیری را ذکر نموده، یک مورد را با دلیل تبیین نمایید. جزء ۱ ص ۳۶۳

جواب: ۱. وجوب گیری قابلیت تحریکی مستقل از تحریک وجوب نفسی ندارد، یعنی مثلاً در صورتی که وجوب حج برای مکلف، محرکیت نداشته باشد و مکلف قصد انجام عمل حج را ندارد در این صورت نمی تواند به جهت اطاعت وجوب گیری طی مسافت کند زیرا اراده عبد منقاد باید مطابق اراده مولی باشد و چونکه اراده مولی در خصوص انجام مقدمه به دلیل مطلوبیت ذی المقدمه است و به جهت توصل به آن است اراده عبد نیز باید چنین باشد. ۲. امتثال وجوب گیری ثواب مستقلاً ندارد. ۳. مخالفت وجوب گیری عقاب مستقلاً ندارد. ۴. ملاک وجوب گیری، فقط مقدمیت است. (توضیح و تبیین سه مورد دیگر در کتاب)

۶- شهید صدر (ره) در عبارت «إذا سلمنا أنّ ما يفوت على المكلف بسبب الحجة الظاهرية من مصالح لا بدّ أن تضمن الحجة تداركها، إلا أنّ هذا لا يقتضي افتراض مصلحة إلا بقدر ما يفوت بسببها» نقدی بر برهان «ملازمه بین امر ظاهری با اجزاء» بیان می کند، برهان و نقد آن را بنویسید. جزء ۱ ص ۳۸۰

۲

جواب: از لحاظ عقلی، امر ظاهری هنگام مخالفت با واقع، دلالت بر وجود مصلحتی در خود دارد که این مصلحت، جبران کننده آن ملاک واقعی است که از مکلف به علت تبعیت از امر ظاهری فوت شده است؛ زیرا اگر امر ظاهری در خود، مصلحتی که جابر مصلحت واقعی است نداشته باشد، صدور آن از شارع عقلاً قبیح است؛ زیرا لازمه اش آن است که شارع مقدس با امر به تبعیت مکلف از امر ظاهری مخالف امر واقعی، وی را محروم از مصلحت واقعی کند و یا حتی در مفسده واقعی بیاندازد. بنابر این مکلف با تبعیت از امر ظاهری و استیفاء ملاک آن، مصلحت واقعی را تدارک کرده است. و مجالی برای اعاده واجب واقعی و قضا باقی نخواهد ماند. نقد: مقتضای استدلال مزبور آن است که حجت ظاهری لازم است همان مقدار از مصلحت واقعی را که به واسطه عمل مکلف به آن، از او فوت می شود، جبران کند. لذا دیگر مجزی از واقع نخواهد بود، بلکه اگر مخالفت آن با واقع در داخل وقت کشف شود، مجزی از اعاده نیست و نهایت آن که فضیلت اول وقت را جبران می کند. و اگر هم در خارج از وقت کشف شود، مجزی از قضا نیست، نهایت آن که مصلحت اداء در وقت را جبران می کند.

۷- **ثمره کلی قول به «اقتضاء یا عدم اقتضاء وجوب شیء حرمت ضدش را» به همراه دلیل بنویسید.** جزء ۱ ص ۴۰۱

۲

جواب: بنابر قول به اقتضاء دو دلیل با هم تعارض می کنند. زیرا هر دلیل بالاتزام بر حرمت مورد دیگر دلالت می کند پس تنافی بین دو جعل است که ملاک تعارض می باشد و بنابر قول به عدم اقتضاء مفاد دلیل فقط وجوب مورد خود را می رساند. در نتیجه وجوب مشروط به عدم اشتغال به ضدش است که از موارد تراجم است.

۸- **استدلال محقق اصفهانی^(ه) را بر «برائت عقلیه» بر مبنای «قیح ظلم» تقریر کرده و جواب شهید صدر^(ه) بر آن را بنویسید.** جزء ۲ ص ۳۶

۲

جواب: هر حکم عقل عملی بازگشتش به حکم اصلی و اولی «ظلم قبیح است و عدل حسن است» می باشد، ما ملاحظه می کنیم وقتی بنده ای در حجتی مولایش را مخالفت می کند ظلم است و مستحق ذم و عقاب است ولی وقتی بنده ای مولایش را در حکمی که حجت نیست مخالف کند صدق ظلم نمی کند زیرا ذی عبودیت این نیست که مخالفت احکام واقعیه کند، و وقتی که ظلم نباشد در نتیجه عقاب ندارد و بلکه قبیح است اگر عقاب شود. جواب شهید صدر^(ه): این ادعا که «ظلم قبیح است» است اصل اولی در احکام عقل عملی می باشد مورد قبول نیست زیرا وقتی معنای ظلم را تحلیل می کنیم می بینیم معنا می شود تجاوز به حق دیگری و سلب حق او در نتیجه ثبوت حق که کاشف آن عقل عملی است در مرحله سابقه از «ظلم قبیح است» واقع می شود پس برای اینکه بدانیم قاعده قیح عقاب بلا بیان صحیح است باید به حق الطاعه و حدود آن مراجعه کنیم.

۹- **استدلال به آیه شریفه «قُلْ لَا أُجِدُ فِي مَا أُوحِيَ إِلَيَّ مُحَرَّمًا عَلَى طَاعِمٍ يَطْعَمُهُ إِلَّا أَنْ يَكُونَ مِمَّنْهُ أَوْ...» (انعام: ۱۴۵) بر برائت را تبیین نمایید و با توجه به عبارت «أَنْ إِطْلَاقِ الْعِنَانِ كَمَا قَدْ يَكُونُ بِلِحَظِ أَصْلِ عَمَلِي قَدْ يَكُونُ بِلِحَظِ عُمُومَاتِ الْحُلِّ الَّتِي لَا يَرْفَعُ الْيَدَ عَنْهَا إِلَّا بِمَخْصَصٍ وَاصِلٍ» اشکال شهید صدر^(ه)، بر استدلال را بنویسید.** جزء ۲ ص ۴۴ و ۴۵

۲

جواب: تقریب استدلال: [در احتجاج با یهود که خوردن حلال ها را حرام کرده بودند خدا این آیه را بر پیامبر نازل کرده است. که به آنان بگوید آنچه به من وحی شده است حرامی نمی بینم مگر این چند مورد.] از این احتجاج فهمیده می شود نیافتن حکم در شریعت دلیل حکم به اباحه کردن است، چون پیامبر، می فرماید حرامی در شریعت نمی یابم مگر... پس غیر از اینها مباح است. نقد شهید صدر^(ه): آیه ممکن است ناظر به تمسک به عموم ادله حلیت باشد [مثل آیه: «هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا» که دلالت بر اباحه هر چیزی می کند مگر اینکه دلیل خاصی آن را خارج کند]. یعنی همه چیز حلال و مباح است مگر اینکه دلیلی آن را تخصیص بزند، حال که مخصصی نیافتیم پس به عمومات حل تمسک می کنیم، در حالی که مطلوب در استدلال به آیه، استفاده حلیت ظاهری و تأمین از عقاب است در جایی که دلیلی بر حکم مشکوک پیدا نکنیم، با توجه به این احتمال دلیل مجمل است و دیگر نمی توان بر برائت استدلال نمود.

۱۰- **عبارت: «وَأَمَّا الشُّكُّ فِي الْأَمْتَالِ فَلَا تَجْرِي الْبَرَاءَةُ عَلَى مَسْلُكِنَا الْقَائِلِ بَانَ الْأَمْتَالِ لَيْسَ مِنْ مَسْقَطَاتِ التَّكْلِيفِ وَأَيُّهَا إِذَا قِيلَ بَانَ الْأَمْتَالِ مِنْ مَسْقَطَاتِ التَّكْلِيفِ فَالشُّكُّ فِي التَّكْلِيفِ» را با دلیل تبیین نموده، دو توجیه جریان اصل اشتغال در صورت شک در امتثال نزد قائلین به «مسقط تکلیف بودن امتثال» چیست؟** جزء ۲ ص ۷۱

۲

جواب: شک در تکلیف، مجرای برائت است و با توجه به اینکه شک در امتثال در نظر شهید صدر^(ه)، شک در اسقاط تکلیف نیست، [زیرا اگر شک در امتثال، شک در مسقطیت باشد، عدم آن قید تکلیف است مثلاً اقيموا الصلاة ان لم تقيموا الصلاة که معقول نیست.] پس شک در تکلیف نیست و در نتیجه مجرای برائت نیست و اصل اشتغال جاری می گردد. لکن اگر قائل شویم که شک در امتثال، شک در اسقاط تکلیف است یعنی شک در نفی تکلیف که در این صورت موضوع برائت محقق و مجرای برائت است (نمره) و برای تخلص از این مشکل یا قائل به انصراف ادله برائت به شک ناشی از غیر ناحیه امتثال شده اند و یا به اصل موضوعی حاکم یعنی استصحاب عدم امتثال تمسک نموده اند. (نمره)

«سامانه پیام کوتاه ۰۵۰۰۱۷۱۷۱۴۴۳۱ معاونت آموزش آماده دریافت پیشنهادات و انتقادات پیرامون سؤالات امتحانی می باشد.»

«در صورت ارسال پیام کوتاه، ذکر کد امتحان و شماره سؤال به صورت دقیق جهت امکان بررسی و جوابگویی ضروری می باشد.»



کتابخانه مجلس شورای اسلامی

امتحانات متمرکز تکمیلی (سطح ۳)

نیم سال اول ۹۸-۹۷
رشته فقه و روایه مهر ۹۶

مهر مدرسه

کتاب	۳۹۷۱/۰۹
جلد	۱۳۹۷/۱۰/۲۷
موضوع	اصول فقه ۳
کتاب	دروس فی علم الاصول «الحلقة الثالثة»
موضوع	جزء اول: از ابتدای درس ۶۸ تا پایان کتاب و جزء دوم: از ابتدای کتاب تا پایان درس ۱۴

تاریخ: ۱۰ صبح ۱۴ ... دقیقه ۹۰

نام و نام خانوادگی	شماره	مهر مدرسه
نام و نام خانوادگی	شماره	مهر مدرسه

نام و نام خانوادگی: نام پدر: کد ملی: درس علمیه: شهرستان: استان:

۱- در چه مرحله‌ای قید «علم به حکم» می‌تواند در موضوع احکام اخذ شود؟

۰/۵

- الف. در مرحله جعل
- ب. در مرحله ملاک
- ج. در مرحله مجعول
- د. در مرحله اراده

۲- نظر شهید صدر (ره) در مورد ملازمه شرعی بین «ذی المقدمه» و «مقدمه» چیست؟

۰/۵

- الف. وجود ملازمه در مرحله ایجاب
- ب. وجود ملازمه در مرحله جعل
- ج. وجود ملازمه در مرحله اراده
- د. عدم وجود ملازمه مطلقاً

۳- آیا در مقام اثبات، بین دو اصل عملی عقلی، تعارض امکان دارد؟

۰/۵

- الف. لا، لعدم التناقض بین ادراکین عقلیین
- ب. نعم، ولكن يرتفع بالتخصيص و الحكومة
- ج. نعم، لوقوع تعارض الاصول كثيراً فی الفقه
- د. لا، لامکان رفعه بالتخصيص و الحكومة

۴- در مسأله «اذا كان الشك في الموضوع الخارجي كما اذا لم يحرز كون فرد ما مصداقاً للموضوع الخارجي فان كان اطلاق التكليف بالنسبة اليه شمولياً» چه اصلی جاری می‌شود؟

۰/۵

- الف. اصالة العموم
- ب. اصالة الاطلاق
- ج. اصالة الاشتغال
- د. اصالة البرائة

۵- استدلال در عبارت: «ان قصد امتثال الامر متأخر رتبة عن الامر لتفرعه عليه فلو اخذ قيذا لكان داخلاً في معروض الامر ضمناً و متقدماً على الامر تقدم المعروض على عارضه» را در مورد «استحاله اخذ قصد امتثال امر در وجوب» تبیین کرده، پاسخ شهید صدر (ره) را بنویسید.

۲

۶- دلیل قائلین به «کفایت تعدد عنوان در رفع تنافی اجتماع امر و نهی حتی با وحدت معنون» را تبیین کرده، چرا بنابر تقریب مرحوم نائینی (ره) از تنافی [یعنی تنافی بین «نهی از حصه» و «ترخیص در تطبیق»] این دلیل وجیه نیست؟

۲

۷- تحویل قطع طریقی به قطع موضوعی در «دلیل عقلی» را تبیین کرده، یک دلیل شهید صدر^(ره) بر عدم قبول آن را بنویسید.

۲

۸- با توجه به عبارت «و قد اعترض الشيخ الأنصاري^(ره) على دعوى إطلاق اسم الموصول باستعمال الهيئة القائمة بالفعل و المفعول فى معنيين» اشکال شیخ^(ره) بر دلالت آیه شریفه «لا یكلف الله نفساً ألاً ما آتاه»^(طلاق: ۷) را توضیح داده و جواب شهید صدر^(ره) از آن را بنویسید.

۲

۹- عبارت «ان شمول فقرة الاستدلال فى حديث الرفع للشبهات الموضوعية و الحكمية يتوقف على تصوير جامع بين المشكوكين فى الشبهتين؛ فقيل: إن الجامع هو الشيء باعتبار عنواناً ينطبق على المشكوكين. و قد اعترض صاحب الكفاية على ذلك بأن اسناد الرفع إلى أحدهما حقيقى و إلى الآخر مجازى و لا يمكن الجمع بين الإسنادين» را توضیح داده، جواب صحیح از اعتراض صاحب کفاية^(ره) چیست؟

۲

۱۰- اشکال مطرح در عبارت «قيل إن جعل الإستحباب المولى على الإحتياط (فى الشك البدوى) لغو لأنه إن أريد به الإلزام بالمشكوك فهو غير معقول و إن أريد إيجاد محرک غير إلزامى نحوه فهذا حاصل بدون جعل الإستحباب» را تبیین کنید.

۲

«سامانه پیام کوتاه ۰۵۰۰۱۷۱۷۲۱۴۴۱ اداره سمنش معاونت آموزش آماده دریافت پیشنهادات و انتقادات پیرامون سؤالات امتحانی می باشد.»

«در صورت ارسال پیام کوتاه، ذکر کد امتحان و شماره سؤال به صورت دقیق جهت امکان بررسی و جوابگویی ضروری می باشد.»

امتحانات متمرکز تکمیلی (سطح ۳)

نیم سال اول ۹۲-۹۱
رشته فقه و اصول ورودی مهر ۸۹

مهر مدرسه

ردیف:		
ساعت: ۲۰ دقیقه	نمره: ۱۴	تاریخ: ۱۰ صبح
نمره بدو	نمره صد	نمره هفت
نمره بدو	نمره صد	نمره هفت

کتاب:	اصول ۳
موضوع:	دروس فی علم الاصول (حلقه تالته)
تاریخ:	۱۳۹۱/۱۰/۲۶
کلاس:	۹۱۳۲۱/۰۲

جزء دوم: از ابتدای اصول عملیه تا ابتدای العوران بین الاقل و الاکثر
فی الشریط (از درس ۱ تا آخر درس ۳۶) (ص ۱۸۵-۱۶۵)

نام و نام خانوادگی: نام پدر: کد ملی: مدرسه: شهرتان: استان:

۱- تفاوت حقیقی «اماره» و «اصل عملی» چیست؟ ص ۱۵ تا ۱۷

۰/۵

- الف. الامارة ما تجعل طریقاً الى الواقع بخلاف الاصل العملی.
- ب. الامارة لا یؤخذ فی موضوعه الشک بخلاف الاصل العملی.
- ج. الامارة ما لوحظت فیها اهمية الاحتمال بخلاف الاصل العملی.
- د. الامارة ما لوحظت فیها اهمية المحتمل بخلاف الاصل العملی.

۲- کدام گزینه درباره «موصول» در آیه شریفه «لَا یُکَلِّفُ اللهُ نَفْسًا اِلَّا مَا اَتَتْهَا» (طلاق: ۷) صحیح است؟ ص ۴۲ تا ۴۳

۰/۵

- الف. در هر حال موصول در آیه شریفه مفعول مطلق یعنی تکلیفاً است.
- ب. موصول مصادیق مختلف دارد، ولی نسبت بین فعل و موصول واحد است.
- ج. نسبت بین فعل و موصول متعدد است چون مصادیق موصول متعدد است.
- د. می توان قدر جامعی برای نسبت های مختلف بین موصول و فعل تصور کرد.

۳- با توجه به عبارت «أکرم عالماً» در کدام یک از شک های زیر برائت جاری می شود؟ ص ۷۲

۰/۵

- الف. اگر شک کنیم کسی عالم است یا نه.
- ب. اگر شک کنیم عمل ما اکرام است یا نه.
- ج. اگر شک کنیم فلان فرد عالم است یا نه.
- د. اگر شک کنیم در عالم بودن زید بعد از اکرام.

۴- اگر علم اجمالی را مرکب از علم به جامع و شکوک بدانیم، کدام گزینه صحیح است؟ ص ۹۰ و ۹۱

۰/۵

- الف. جامع تنجز دارد و موافقت قطعیه واجب است.
- ب. جامع تنجز دارد و موافقت احتمالیه کفایت می کند.
- ج. تخلف از بعض اطراف مستلزم مخالفت قطعیه با جامع است.
- د. امتثال معلوم بالتفصیل تنها با احتیاط نسبت به همه اطراف امکان دارد.

۵- در کدام یک از موارد زیر حتی بنا بر مسلک حق الطاعه نیز عقل حکم به برائت می کند؟ ص ۱۶۶

۰/۵

- الف. شک بین وجوب و نذب
- ب. شک بین حرمت و کراهت
- ج. شک بین وجوب و کراهت
- د. شک بین وجوب و حرمت و نذب

۶- چرا نمی توان به حدیث رفع برای «ابطال بیع شخص مضطر» تمسک نمود؟ ص ۵۴

۰/۵

- الف. چون حدیث رفع اطلاق ندارد.
- ب. چون رفع آن با امتنان منافات دارد.
- ج. چون حدیث رفع، فقط حکم تکلیفی را بر می دارد.
- د. چون موضوع حدیث عدم علم است نه عدم اضطرار.

۷- عبارت «إن الاصول العملية العقلية لا يعقل التعارض بينها ثبوتاً و لا إثباتاً خلافاً للاصول العملية الشرعية.» را با ذکر دلیل، تبیین کنید. ص

۱/۵

جواب: معقول نیست تعارض واقع شود بین اصول عملیه عقلیه، نه ثبوتاً زیرا معنی ندارد در ادراکات عقل عملی تعارض واقع شود و نه اثباتاً چون مقام اثبات آنها عین همان ادراک آنها توسط عقل است و معقول نیست بین دو ادراک عقلی تناقض باشد اما اصول عملی شرعی چون از ادله نقلی استخراج می‌شوند بخاطر اختلاف الفاظ آن ادله ممکن است با هم متعارض باشند.

۸- «رفع ظاهری» و «رفع واقعی» را در حدیث «رفع عن امتی ... ما لا یعلمون» تبیین کرده، چرا شهید (ره) رفع را ظاهری می‌داند؟ ص ۵۶ تا

۲

۵۸ - ۲ نمره

جواب: رفع واقعی یعنی حکم مجهول از جاهلان واقعاً برداشته شود و فقط عالمان حکم داشته باشند. و رفع ظاهری یعنی ممکن است در واقع تکلیفی باشد، اما به حسب ظاهر مرفوع است و منجز نیست؛ یعنی احتیاط در موارد شک در تکلیف لازم نیست، شهید صدر (ره) رفع ظاهری است زیرا اگر واقعی باشد مستلزم اخذ علم به حکم در موضوع حکم می‌شود و این یا محال است (اگر به معنای اخذ علم به حکم مجعول در موضوع حکم مجعول باشد) و یا خلاف ظاهر است (اگر مراد، اخذ علم به جعل در موضوع حکم مجعول باشد) زیرا گرچه اخذ به این معنا معقول است لکن خلاف ظاهر حدیث رفع می‌باشد؛ چرا که ظاهر روایت، اتحاد «ما لا یعلمون» با مرفوع است و طبق معنای دوم، مرفوع با مجهول یکی نیست.

۲

۹- چرا به نظر شهید صدر (ره) «فرد مردد» محال است متعلق علم اجمالی باشد؟ ص ۹۰ - ۲ نمره

جواب: هر علمی دارای متعلقی بالذات (صورة ذهنية) و متعلقی بالعرض (ما فی الخارج) می‌باشد اگر متعلق علم اجمالی بخواید فرد مردد باشد سؤال می‌شود که معلوم بالذات این علم چیست؟ اگر آن صورتی که حکایت از جامع می‌کند باشد پس در واقع معلوم بالاجمال فرد مردد نیست بلکه جامع می‌باشد و اگر متعلق بالذات، صورت ذهنی یک از دو فرد لا بعینه می‌باشد معقول نیست چون صورت ذهنی در ذهن تعیین دارد و فرد مردد بما هو فرد فاقد تعیین و تشخیص می‌باشد.

۲

۱۰- مرحوم نائینی (ره) مدعی شده است «حدیث رفع شامل دوران بین محذورین نمی‌شود» اشکال ایشان و پاسخ شهید صدر (ره) به ایشان را توضیح دهید. ص ۱۶۸ و ۱۶۹ - ۲ نمره

جواب: مرحوم نائینی (ره) می‌فرماید رفع در مواردی امکان دارد که وضع امکان داشته باشد و روشن است که در موارد دوران بین محذورین وضع امکان ندارد؛ چون وضع، وضع ظاهری [یعنی ایجاب احتیاط] در موارد دوران بین محذورین ممکن نیست و احتیاط امکان ندارد. پاسخ شهید صدر (ره): مقصود از جریان برائت، برائت نسبت به هر یک از اطراف شبهه در دوران بین محذورین است، و این امکان دارد؛ زیرا نسبت به خصوص حرمت، وضع ممکن است (می‌توان فرض کرد حرمت ظاهری) پس رفع هم ممکن است همان‌طور که وضع نسبت به خصوص وجوب (و ایجاب ظاهری) ممکن است پس رفع هم ممکن است.

۱۱- فرض می‌کنیم بین بر نجاست ظرف معینی قائم شده است و سپس آن ظرف با ظرف پاک دیگری مشتبه می‌شود. جریان اصل عملی در اطراف این علم اجمالی را بررسی کرده، وظیفه مکلف را تعیین نمایید. ص ۱۱۴ - ۱/۵ نمره

۱/۵

جواب: چون ابتدا اماره بر نجاست ظرف معینی قائم شده است، لذا پس از علم اجمالی برائت امکان جریان نسبت به آن ظرف را ندارد؛ چون اماره بر نجاست، حاکم بر اصل برائت است؛ و از طرفی چون مورد اماره غیر معین است ممکن نیست اجراء اصل در هر کدام از اطراف و در یک طرف خاص هم دلیلی نداریم پس هر دو طرف منجز هستند.

۱۲- از میان دو ظرف آب و شیر، مکلف مضطر به نوشیدن آب است حال اگر قبل از نوشیدن آب، یکی از دو ظرف نجس شود و نداند کدام

۱

نجس شده، آیا علم اجمالی منجز است؟ توضیح دهید. ص ۱۲۶ و ۱۲۷ - ۱ نمره

جواب: نسبت به ظرفی که پس از عروض اضطرار ظرف علم اجمالی قرار گرفته است، احتمال اینکه تکلیفی باشد، وجود ندارد؛ چون حتی اگر نجاست در آن افتاده باشد، به سبب اینکه قبلاً مضطر بوده، این سقوط نجاست در آن سبب فعلیت حرمت نمی‌شود و چون این ظرف نمی‌تواند طرف حرمت فعلی باشد، پس تنها نسبت به ظرف دیگر احتمال نجاست می‌دهیم. بنابراین تکلیف جامع قابل انطباق بر هر دو طرف (شرط اول منجزیت علم اجمالی) مفقود است لذا علم اجمالی منجز نیست.

۱

۱۳- عدم حجیت علم اجمالی را در «شبهات غیر محصوره» بر اساس قانون احتمالات توضیح دهید. ص ۱۴۱ - ۱ نمره

جواب: در شبهه غیر محصوره اطراف شبهه بسیار زیادند به طوری که هنگام ارتکاب بعض اطراف، احتمال انطباق تکلیف معلوم بالاجمال برطرف مورد ابتلا بسیار کم است و احتمال آن، آنقدر ضعیف است که قابل اعتنا نمی‌باشد و اطمینان به عدم انطباق پیدا می‌کنیم؛ لذا ارتکاب آن جایز خواهد بود.



امتحانات مرکز تکمیلی نیمسال اول ۹۹-۱۳۹۸

ماتریکولاری: ۱۰ صبح ۱۴ نوبت: ۶۰ دقیقه

رشته: ۱۷

مهر مدرسه

نام خانوادگی	نام پدر	شماره امتحان
نام خانوادگی	نام پدر	شماره امتحان

شماره برگه	۳۹۸۱/۱۰
شماره برگه	۱۳۹۸/۱۰/۲۵
موضوع	اصول ۳
حلقه	حلقه نالتنه
موضوع	جزء اول: از ابتدای درس ۶۸ تا پایان درس ۸۲ (ص ۴۱۷-۲۴۰) (از مسئولیه عن المقدمات قبل الوقت تا پایان بحث استحباب الاحتیاط) / جزء دوم: از ابتدای کتاب تا پایان درس ۱۴ (ص ۸۰-۱۵)
موضوع	ننارد

نام و نام خانوادگی: نام پدر: که طلایی: درسه طلایی: شهرستان: استان:

۱- چرا مخالفت و جوب غیري، به طور مستقل موجب استحقاق عقاب نمی شود؟ جزء اول ص ۳۶۳ (امتحانات تکمیلی نیمسال اول ۹۶-۹۵)

۰/۵

- الف. لأنه ليس بواجب شرعي حقيقة
- ب. لان المولى رخص في المخالفة
- ج. لأنه ليس له المبادئ المستقلة
- د. لأنه واجب تضمنياً لا تبعياً

۲- چرا مجرد «تعدد عنوان» کاشف از «تعدد معنوی» نیست؟ جزء اول ص ۲۸۷ (امتحانات تکمیلی نیمسال دوم ۹۵-۹۴) (مسابقات علمی منطقه ای ۹۶-۹۵)

۰/۵

- الف. لامكان انتزاع عنوانين من موجود واحد
- ب. لان العناوين في الذهن مرآة للخارج
- ج. لعدم امکان موجود واحد بالعنوانين
- د. لان العنوان مساوق حقيقة الشيء

۳- بنا بر نظر شهید صدر (ه) مراد و بازگشت اصول عملیه عقابیه در حقیقت به چیست؟ جزء دوم ص ۱۸ (امتحانات نیمسال اول ۹۳-۹۲)

۰/۵

- الف. قاعدة قبح العقاب بالبيان
- ب. حق الطاعة إثباتاً و نفياً
- ج. قاعده الاشتغال
- د. أصالة الاحتياط

۴- بنا بر نظر شیخ انصاری (ه) اگر مراد از موصول در آیه شریفه «لا يُكَلِّفُ اللهُ نَفْساً إِلاَّ مَا آتَاهَا» (طلاق: ۷) تکلیف باشد، موصول از کدام

۰/۵

قسم مفعول است؟ جزء دوم ص ۴۲ (مسابقات علمی کشوری ۹۴-۹۳)

- الف. مفعول مطلق
- ب. مفعول فيه
- ج. مفعول له
- د. مفعول به

۵- استدلال در عبارت: «ان قصد امتثال الامر عبارة عن محركية الامر و الامر لا يحرك الا نحو متعلقه فلو كان نفس القصد المذكور داخلا في المتعلق لادى الى ان الامر يحرك نحو نفس هذه المحركية و هذا مستحيل» را در مورد «استحاله اخذ قصد امتثال امر در وجوب» تبیین کرده، پاسخ آن را بنویسید. جزء اول ص ۳۵۲

۲

جواب: امر دارای داعیوت و محرکیت است که محرک ایجاد متعلق از جانب مکلف است و اگر چنین نباشد جعل آن لغو است و از طرفی قصد امتثال خودش محرکیت امر است زیرا محرک مکلف برای امتثال امر است و با توجه به اینکه امر صرفاً نسبت به متعلقش محرکیت دارد اگر قصد امتثال داخل در متعلق امر باشد به این معنا است که امر محرک، محرکیتش است به عبارتی محرک خودش است که استحاله دارد. جواب: اگر قصد امتثال دخیل در متعلق امر باشد، امر منحل می شود به دو امر ضمنی: امر به ذات فعل و امر به قصد امتثال امر اول و با این بیان اشکال دفع می شود که امر دوم محرکیت دارد نسبت به محرکیت امر اول نه نسبت به محرکیت خودش. [رساندن مطلب کفایت می کند].

۶- ملاک دوم در اقتضای حرمت برای بطلان عبادت: «أنها تكشف عن كون العبادة مبنوذة للمولى» را تبیین کرده، چرا مختص به عبادت

۲

و عالم به حرمت است؟ جزء اول ص ۴۰۴

جواب: با تعلق نهی به عبادت و حرمت آن کشف می شود که عبادت مبنووض مولا است و با مبنووضیت، تقرب استحاله دارد. (۱ نمره) این ملاک مختص عبادت است زیرا قصد قربت در غیر عبادت معتبر نیست و مختص عالم به حرمت است زیرا کسی که به مبنووضیت چهل دارد امکان تقرب دارد. (۱ نمره)



۷- دلیل برخی از علماء که قائل به استحاله حکم شارع در موارد حکم عقل عملی هستند را به همراه نقد شهید صدر (ره) بنویسید.

جزء اول ص ۴۱۰ و ۴۱۱

۲

جواب: جعل حکم شارع در مورد حکم عقلی به حسن و قبح لغو است زیرا حسن و قبح برای ادانه و محرکیت کفایت می‌کند. نقد: به عنوان مثال حسن امانت و قبح خیانت اگرچه درجه‌ای از مسئولیت و محرکیت را لکن حکم شارع طبق حکم عقلی، ملاکی دیگر برای حسن و قبح است که ملام قبلی را تاکید می‌نماید و آن حسن طاعت مولی و قبح معصیت اوست و در نتیجه لغویت لازم نمی‌آید.

۸- با توجه به عبارت «أنه لا مقتضى للتحرک مع عدم وصول التكليف، فالعقاب حينئذ عقاب على ترك ما لا مقتضى لایجاده و هو قبیح»، استدلالات میرزای نائینی بر «برائت عقلیه» را تبیین نمایید و نقد شهید از آن را بنویسید. جزء دوم ص ۳۶ (امتحانات تکمیلی نیم‌سال اول ۹۵-۹۴)

۲

جواب: تکالیف وقتی محرکیت دارند که واصل شده باشند و آلاً وجود واقعی آن‌ها محرکیتی ندارد، به عبارت مختصر، وصول مهم است نه صدور. لذا در مقام ما، اگر شارع بخواهد بر ترک تحرک عقاب کند قبیح است چون بر چیزی عقاب کرده که هیچ مقتضی‌ای برای آن نبوده است.

نقد: این دلیل مصادره به مطلوب است چه این که میرزا فرض کرده هیچ مقتضی‌ای برای تحرک نیست لذا عقاب بر آن قبیح است در حالی که وجود و عدم مقتضی فرع سعه و ضیق دایره حق الطاعه می‌باشد، بله اگر دایره حق الطاعه ضیق باشد و تکالیف مشکوک را شامل نشود مقتضی نیست و عقاب قبیح است و اگر دایره آن وسیع باشد و شامل موارد شک در تکلیف بشود، مقتضی برای اطاعت مولی و تحرک موجود است.

۹- «رفع ظاهری» و «رفع واقعی» را در حدیث «رفع عن امتی ... ما لا یعلمون» تبیین کرده، چرا شهید (ره) رفع را ظاهری می‌داند؟

۲

جزء دوم ص ۵۸ - ۵۶ (امتحانات تکمیلی نیم‌سال اول ۹۲-۹۱) (امتحانات تکمیلی مجدد ۹۳-۹۲) (آزمون ورودی سطح چهار ۹۸-۹۷)

جواب: رفع واقعی یعنی حکم مجهول از جاهلان واقعاً برداشته شود و فقط عالمان حکم داشته باشند و رفع ظاهری یعنی ممکن است در واقع تکلیفی باشد، اما به حسب ظاهر مرفوع است و منجز نیست؛ یعنی احتیاط در موارد شک در تکلیف لازم نیست، شهید صدر (ره) رفع ظاهری است زیرا اگر واقعی باشد مستلزم اخذ علم به حکم در موضوع حکم می‌شود و این یا محال است (اگر به معنای اخذ علم به حکم مجعول در موضوع حکم مجعول باشد) و یا خلاف ظاهر است (اگر مراد، اخذ علم به جعل در موضوع حکم مجعول باشد) زیرا گرچه اخذ به این معنا معقول است لکن خلاف ظاهر حدیث رفع می‌باشد؛ چرا که ظاهر روایت، اتحاد «ما لا یعلمون» با مرفوع است و طبق معنای دوم، مرفوع با مجهول یکی نیست.

۱۰- با توجه به عبارت «أن حسن الاحتیاط كحسن الطاعة و قبح المعصية واقع في مرحلة متأخرة عن الحكم الشرعی و قد تقدم المسلك القائل بان الحسن و القبح الواقعیین فی هذه المرحلة لا یستتبعان حکماً شرعياً» اشکال به جعل مولوی استحباب احتیاط را تبیین نموده و

جواب شهید صدر (ره) از آن را بنویسید. جزء دوم ص ۷۷ و ۷۸ (امتحانات تکمیلی نیم‌سال اول ۹۴-۹۳) (امتحانات متمرکز مجدد ۹۵-۹۴) (امتحانات تکمیلی نیم‌سال اول ۹۶-۹۵)

۲

جواب: حسن و قبح عقلی وقتی با حکم شرعی ملازمه دارد که در سلسله علل حکم شرعی واقع شود، یعنی وقتی می‌گوییم: «کل ما حکم به العقل حکم به الشرع» که عقل مصالح و مفاسد را در مرحله سابق درک کرده باشد، در حالی که مسأله حسن احتیاط مانند حسن اطاعت مولی و قبح معصیت مولی در طول حکم شرعی می‌باشند. یعنی شارع باید احکامی را جعل کرده باشد تا حسن احتیاط معنا داشته باشد، که در این صورت حسن عقلی احتیاط در سلسله معالیل حکم شرعی است نه علل حکم شرعی. لذا مولوی بودن آن بی معناست.

جواب شهید: ولو اینکه ملازمه بین حکم عقل و شرع را بپذیریم و لکن در مقام ما ثمری ندارد، زیرا ما نمی‌خواهیم حسن احتیاط شرعی را با استفاده از قانون ملازمه نتیجه بگیریم، (یعنی چون احتیاط عقلاً حسن است پس شرعاً نیز حسن و مستحب است)، که شما به ما اشکال می‌کنید باید حکم عقل در سلسله علل باشد نه معالیل، بلکه احتیاط شرعی بواسطه دلیل شرعی (روایات حسن احتیاط) ثابت است.

« سامانه پیام کوتاه ۰۲۱۷۷۱۱۴۴۱۱۰۰۰۰ معاونت آموزش آماده دریافت پیشنهادات و انتقادات پیرامون سؤالات امتحانی می‌باشد. »

« در صورت ارسال پیام کوتاه، ذکر کد امتحان و شماره سؤال به صورت دقیق جهت امکان بررسی و جوابگویی ضروری می‌باشد. »



امتحانات متمرکز تکمیلی (سطح ۳)

فصل اول ۹۲-۹۳
رشته فقه و اصول و رویه مهر ۹۰

مهر مدرسه

کد پرسنلی:	۳۹۲۱/۱۵
تاریخ:	۱۳۹۲/۱۰/۲۲
نوبت:	اصول ۳
کتاب:	دروس فی علم الاصول (الحلقة الثالثة)
موضوع:	جزء دوم از ابتدای اصول عملیه تا ابتدای الدوران بین الاقل و اکثر فی الشرائط (از درس ۶ تا آخر درس ۲۶) (ص ۱۸۵-۱۵)

رویه:		
تاریخ:	ماده کلاسی:	صباح:
ماده کلاسی:	ماده کلاسی:	ماده کلاسی:
ماده کلاسی:	ماده کلاسی:	ماده کلاسی:
ماده کلاسی:	ماده کلاسی:	ماده کلاسی:
ماده کلاسی:	ماده کلاسی:	ماده کلاسی:

نام و نام خانوادگی: نام پدر: کد ملی: مدرسه علمیه: شهرستان: استان:

۱- مرد و بازگشت وظائف عملیه عقليه در حقیقت به چیست؟ ص ۱۸

۰/۱۵

- الف. أصالة الاحتياط
- ب. قاعده الاشتغال
- ج. حق الطاعة إثباتاً و نفياً
- د. قاعدة قبح العقاب بلا بيان

۲- طبق مسلك شهيد صدر رحمته الله، حکم اولی عقل به وجوب رعایت احتمالات، مقید به چیست؟ ص ۴۰

۰/۱۵

- الف. عدم اثبات تکالیف قطعی
- ب. عدم اثبات تکالیف احتمالی
- ج. عدم ترخیص قطعی از شارع
- د. عدم ترخیص احتمالی از شارع

۳- هدیث «کل شیء مطلق حتی یرد فیه نهی» در چه صورت بر برائت شرعی دلالت می کند؟ ص ۴۹ س ۲

۰/۱۵

- الف. اذا كان الورد بمعنى الوصول.
- ب. اذا كان الورد بمعنى الصدور.
- ج. اذا كان الورد بمعنى الوجود.
- د. سواء كان الورد بمعنى الوصول أو الصدور.

۴- نظر شهيد صدر رحمته الله در مورد امکان جریان اصل مؤمن در اطراف علم اجمالی چیست؟ ص ۱۰۰

۰/۱۵

- الف. ثبوتاً فقط در برخی اطراف ممکن است.
- ب. اثباتاً و ثبوتاً در هیچ طرف ممکن نیست.
- ج. اثباتاً در همه اطراف ممکن است.
- د. ثبوتاً در همه اطراف ممکن است.

۵- با اضطرار به طرف معینی از اطراف علم اجمالی (در صورتی که اضطرار قبل از علم اجمالی حاصل شود)، کدام رکن علم اجمالی از بین می رود؟ ص ۱۲۶ و ۱۲۷

۰/۱۵

- الف. رکن اول
- ب. رکن دوم
- ج. رکن سوم
- د. رکن چهارم

۶- علم اجمالی در مثال: «علم المرأة إجمالاً - إذا ضاعت عليها أيام العادة - بحرمة المكث في المسجد في بعض الأيام من الشهر» چه نامیده می شود؟ ص ۱۵۴

۰/۱۵

- الف. علم اجمالی به فرد مرد
- ب. علم اجمالی به تدریجیات
- ج. علم اجمالی به اقل و اکثر
- د. علم اجمالی به قصیر و طویل

۷- با توجه به عبارت «أن الفرق بينهما ينشأ من اختلافهما في سنخ المجموع في دليل حجية الأمانة و دليل الأصل، فالمجموع في الأول الطريقية متأ، و في الثاني الوظيفة العملية، أو التنزيل منزلة اليقين بلحاظ الجري العملي بدون تضمين لجعل الطريقية» فرق بين اصول عملیه و امارات را از دیدگاه مرحوم نائینی رحمته به همراه مثال تبیین کنید. ص ۱۵

جواب: مجموع در امارات طریقت یقینی و کاشفیت نام است، یعنی شارع اماره را نازل منزله علم قرار داده در کاشفیت و طریقت، بطور علم کاشف از واقع است شارع اماره را هم کاشف از واقع قرار داده است مانند خبر واحد که هر چند کاشفیت آن ناقص است ولی شارع با حجیت بخشیدن به آن نقصانش را نادیده گرفته است، (نمره) اما مجموع در اصول عملیه یا تعیین وظیفه عملی مکلف است در مقام شک بدون اینکه کاشفیتی داشته باشد، مثل برائت که اصلاً کاشفیتی ندارد و یا تنزیل است یعنی شارع اصل را به لحاظ مقام عمل نازل منزله یقین قرار داده بدون جعل طریقت مثل اصل استصحاب که شارع حکم مستصحاب را بمنزله یقین قرار داده است. (۱ نمره)

۸- استدلال به آیه شریفه «قُلْ لَا أَجِدُ فِي مَا أُوحِيَ إِلَيَّ حُرْمًا عَلَىٰ طَاعِمٍ يَطْعَمُهُ إِلَّا أَنْ يَكُونَ مِمَّنْ أَوْ...» (انعام: ۱۴۵) بر برائت را تبیین نمایید و با توجه به عبارت «أن إطلاق العنان كما قد يكون بلحاظ أصل عملي قد يكون بلحاظ عمومات الحل التي لا يرفع اليد عنها إلّا بمخصي وأصل» اشکال شهید صدر رحمته بر استدلال را بنویسید. ص ۴۴ و ۴۵

جواب: تقریب استدلال: [در احتجاج با یهود که خوردن حلال‌ها را حرام کرده بودند خدا این آیه را بر پیامبر نازل کرده است. که به آنان بگو در آنچه به من وحی شده است حرامی نمی‌بینم مگر این چند مورد.] از این احتجاج فهمیده می‌شود نیافتن حکم در شریعت دلیل حکم به اباحه کردن است، چون پیامبر رحمته می‌فرماید حرامی در شریعت نمی‌یابم مگر... پس غیر از اینها مباح است. نقد شهید صدر رحمته: آیه ممکن است ناظر به تمسک به عموم ادله حلیت باشد [مثل آیه: هو الذی خلق لکم ما فی الأرض جمیعاً که دلالت بر اباحه هر چیزی می‌کند مگر اینکه دلیل خاصی آن را خارج کند]، یعنی همه چیز حلال و مباح است مگر اینکه دلیلی آن را تخصیص بزند، حال که مخصصی نیافتیم پس به عمومات حل تمسک می‌کنیم، در حالی که مطلوب در استدلال به آیه، استفاده حلیت ظاهری و تأمین از عقاب است در جایی که دلیلی بر حکم مشکوک پیدا نکنیم، با توجه به این احتمال دلیل مجمل است و دیگر نمی‌توان بر برائت استدلال نمود.

۹- چرا بحث «منجزیت علم اجمالی با قطع نظر از اصول ترخیصیه شرعیه» فقط بر اساس مسلک قبح عقاب بلا بیان قابل توجیه است؟ ص ۸۵

جواب: بدلیل اینکه طبق این مسلک همه اطراف علم اجمالی مشکوک است و برائت در همه آنها جاری است، و اگر این اطراف بخواید منجز باشد باید منجزی برای آنها بیاید، که قائلین قبح عقاب بلا بیان می‌گویند منجز این اطراف، علم اجمالی است، لذا باید از حدود منجزیت علم اجمالی و توانایی آن در اخراج اطراف شبهه از تحت قاعده قبح عقاب بحث کنیم، ولی طبق مسلک حق الطاعه، هر جا احتمال تکلیف داده بشود منجز است لذا اطراف علم اجمالی خود بخود منجز است، نه بخاطر علم اجمالی.

۱۰- یکی از موارد استثناء عدم جواز جریان اصل مؤمن در بعضی اطراف علم اجمالی را با توجه به عبارت «ما إذا كان في أحد طرفي العلم الإجمالي أصل واحد مؤمن و في الطرف الآخر أصلان طوليان» با ذکر مثال توضیح دهید. ص ۱۰۹

جواب: در جایی که یک طرف علم اجمالی یک اصل ترخیصی داریم و در طرف دیگر دو اصل ترخیصی طولی داریم، و مراد از طولی بودن دو اصل این است که یکی از این اصل‌ها حاکم بر دیگری باشد و موضوع آن را تعیناً بر دارد. (۱ نمره) مثلاً علم اجمالی داریم به نجاست یکی از دو ظرف الف و ب، و حالت سابقه الف را می‌دانیم که پاک بوده ولی حالت سابقه ظرف ب را نمی‌دانیم، لذا در ظرف ب فقط اصالة الطهاره جاری می‌شود و در ظرف الف اصالة الطهاره و اصل استصحاب، ولی چون استصحاب موضوع اصالة الطهاره را بر می‌دارد بر آن حاکم است چون با جریان استصحاب تعیناً علم به طهارت ظرف الف پیدا می‌کند و دیگر شک در آن نداریم تا اصالة الطهاره جاری بشود؛ پس فقط اصل استصحاب جاری می‌شود (البته بنا بر اینکه بگوییم استصحاب بر اصل طهارت حاکم است). (۱ نمره)

۱۱- چرا انحلال «علم اجمالی» با امارات و اصول، حکمی است نه حقیقی؟ ص ۱۳۲

جواب: با قیام اماره یا اصل بر معلوم اجمالی و تنجیز آن، رکن سوم علم اجمالی که طبق مسلک صحیح جریان اصول ترخیصیه در اطراف علم اجمالی می‌باشد، مخدوش می‌شود - زیرا فردی که اماره یا اصل بر تنجیز آن قائم شده است مورد جریان اصل ترخیصی نمی‌تواند باشد - لذا اصل ترخیصی در بقیه افراد بدون معارض جاری می‌شود. عدم انحلال حقیقی [اختلال در رکن دوم] از این جهت است که علم به جامع با سریان علم از آن به فرد منحل شود که در اینجا بخاطر نبود علم این سریان منتفی است.

۱۲- مرحوم شهید صدر رحمته در دوران امر بین محذورین می‌فرماید «إن هذا العلم الاجمالي يستحيل أن يكون منجزاً لأن...» تعلیل ایشان را در استحاله تنجیز بیان نمایید. ص ۱۶۶

جواب: زیرا در تکلیف به وجوب موافقت قطعیه و حرمت مخالفت قطعیه غیرمقدور مکلف است، مکلف نمی‌تواند فعل را هم بیاورد و هم ترک کند. اما تنجیز علم اجمالی نسبت به یک طرف هم غیرمعمول است، زیرا نسبت علم اجمالی به اطراف مساوی است و تنجیز یک طرف معنایش ترجیح بلامرجح است.

۱۳- جواب شهید صدر علیه السلام از این اشکال که «ادله وجوب احتیاط مختص به شبهات حکمیه هستند و ادله برائت [آیه شریفه «لَا يُكَلِّفُ

اَللّٰهُ نَفْسًا اِلَّا مَآءَ اَتْنَهَا» (طلاق: ۷) و حدیث رفع [عام می باشند لذا شبهات حکمیه از تحت ادله برائت خارج می شوند] را بنویسید. ص ۶۶ و

۶۵

جواب: نسبت بین ادله وجوب احتیاط و آیه کریمه، عموم و خصوص من وجه است، چون آیه اگر چه از جهت شمولش نسبت به شبهات حکمیه و موضوعیه اطلاق داشت ولی از جهت اینکه اختصاص به موارد بعد از فحص دارد اخص از ادله احتیاط است، چون ادله احتیاط شامل موارد عدم فحص هم می شود. لذا در مورد اجتماعشان یعنی شبهات حکمیه بعد از فحص تعارض می کنند و دلیل قرآنی بخاطر قطعیت سند و صدورش بر دلیل روایی مقدم می شود. و اما نسبت بین ادله وجوب احتیاط و حدیث رفع هم عموم و خصوص من وجه است، چه اینکه حدیث رفع اختصاص به موارد شک بدوی دارد و موارد علم اجمالی را شامل نمی شود، در حالی که ادله احتیاط عام است و شامل هر دو صورت می شود، لذا در ماده اجتماع یعنی شک بدوی در شبهات حکمیه تعارض می کنند و حدیث رفع بخاطر اینکه موافق اطلاق کتاب است و ادله احتیاط مخالف اطلاق کتاب هست، بر ادله احتیاط مقدم می شود.

